

توسل به سلاح هسته‌ای و حمایت از محیط زیست: آورده دیوان بین‌المللی دادگستری*

دکتر جمشید ممتاز
ترجمه محمود صوراسرافیل

مخاصمات مسلحانه همواره زیان‌هایی به محیط زیست وارد کرده‌اند. پیشرفتهای مستمر فنون امکان داده‌اند که انسان ابزارهای جنگی هرچه پیشرفته‌تری ساخته و پرداخته نماید که آثار مصیبت بارشان بر محیط زیست به اثبات رسیده‌اند، همانند سلاح هسته‌ای. این اصل تردیدناپذیر بر بررسی‌های علمی کارشناسان استوار است.^۱ مجمع عمومی طی درخواستی برای کسب نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری سؤال می‌کند که آیا در حقوق بین‌الملل می‌توان، در جمیع

*. مأخذ این مقاله به قرار ذیل است:

LE RECOURS A L' ARME NUCLEAIRE ET LA PROTECTION DE L' ENVIRONNEMENT: L' APPORT DE LA COUR INTERNATIONALE DE JUSTICE, in International Law, the International Court of Justice and Nuclear Weapons, Edited by Laurence Boisson de Chazournes and Philips Sands, Cambridge University Press 1999.

۱. گزارش کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه، «کمیسیون براندلند Brandtland» به زبان فرانسه تحت عنوان «آینده همه ما» (Notre avenir à tous) در سال ۱۹۸۷ انتشار یافته است، صص ۲۶۳-۲۶۲. همچنین رجوع کنید به بررسی سازمان جهانی بهداشت که نماینده اش طی جلسات دادرسی عنوان کرده است، CR 95/22/p.24.

حالات، توسل به تهدید یا بکارگیری سلاح هسته‌ای را مجاز دانست». بر این اساس و با توجه به خواص ذاتی سلاح هسته‌ای و از جمله شاخص‌ترین آنها یعنی خاصیت پرتوافکنی یُن‌کننده^۱، دیوان به این نتیجه می‌رسد که بکارگیری سلاح‌های هسته‌ای «ممکن است برای محیط‌زیست فاجعه‌آفرین باشد»^۲ زیرا [این سلاحها] «از چنان قدرتی برخوردارند که می‌توانند هر تمدنی را و همچنین کل اکوسیستم^۳ کره زمین را نابود سازند»^۴.

این خطرات که پیش‌رو گذاشته شدند، دولتهایی در محضر دیوان از این عقیده دفاع کرده‌اند که بکارگیری سلاح هسته‌ای قواعد حقوق بین‌الملل محیط‌زیست را نقض می‌کند. دولتهایی که بکارگیری این نوع سلاح را مجاز دانسته‌اند، خصلت الزام‌آور این قواعد را درگیر و دارمخاصات مسلحانه نفی کرده‌اند، و از این رو بدین دلیل نمی‌توانند شامل سلاح هسته‌ای شوند. این دلیل، و دلایل دیگر که دولتها چه در مرحله تبادل لوایح چه در مرحله دادرسی بدان استناد کرده‌اند، ضمن بررسی بکارگیری سلاح جنگی از طرف عراق در سرزمین کویت که نسبت به محیط‌زیست زیانبار تشخیص داده شد، موضوع بحث مفصلی قرار گرفت.^۵ سلسله جنابان چندان هم روی گردان نبوده‌اند که از این مباحثات بهره‌ای برگیرند و در جهت استدلالشان در محضر دیوان به کار بندند.

*. Rayonnement ionisant.

۲. پاراگراف ۲۹ نظر مشورتی.

** . Écosystème.

۳. پاراگراف ۲۵ نظر مشورتی.

۴. به خصوص رجوع کنید به کنفرانس کارشناسان درباره بکارگیری محیط‌زیست به منزله ابزار جنگ متعارف (la Conférence d'experts sur l'utilisation de l'environnement comme instrument de guerre conventionnelle) که تحت توجّهات حکومت کانادا از ۱۹ تا ۱۲ ژوئیه در اتاوا برگزار شد و مباحثات ششمین کمیسیون مجمع عمومی ملل متحد طی برگزاری چهل و ششمین اجلاس، در پی درخواست اردن به منظور ثبت موضوع بکارگیری محیط‌زیست به منزله ابزار جنگی متعارف درگیر و دارمخاصه‌ای مسلحانه و اخذ تدابیر عملی در جهت جلوگیری از چنین بکارگیریها Doc. Nu A/46/141 du 8 juillet

1991 .

در بررسی این دلایل، دیوان به نتیجه ای می رسد که در زمینه حفظ و حمایت محیط زیست، حقوق بین الملل موجود به طور مستقیم مناسب ترین به شمار نمی رود و از این رو نمی توان در موضوع مورد رسیدگی به کار برد.^۵ این است که از ۸۳ پاراگراف که در طرح اقامه ادله نظر مشورتی ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ به «مجاز شماری تهدید یا بکارگیری سلاح هسته ای» اختصاص یافته اند، جز ۷ پاراگراف به قابلیت کاربرد این حقوق به سلاح هسته ای نپرداخته اند. وانگهی هیچیک از ادله ای که دیوان در این مورد اقامه کرده است، در پاراگراف پایانی نظر مشورتی به تکلیف قطعی دست نیافته اند. با این وصف، مسلم این که ادله ای که بدین منظور مورد توجه قرار نگرفته اند، نه بدان معنی است که اهمیتشان را از دست داده اند.^۶ این نکته به خصوص نسبت به پاراگراف های ۲۹ تا ۳۵ ادله دیوان صحیح به نظر می رسد، که از آن پاراگرافها دیوان قواعدی عرفی بیرون می کشد و هم مقررات درخوری را مشخص می سازد که در پروتکل الحاقی I به چهار کنوانسیون ژنو ۳ اوت ۱۹۴۹ و مصوب ۱۲ ژوئن ۱۹۷۷ وضع شده اند و می توانند در زمان جنگ حمایتی نسبت به محیط زیست فراهم آورند.

حمایتی که حقوق بین الملل عرفی عرضه می دارد

دیوان تلویحاً به این نتیجه می رسد که در حال حاضر حقوق بین الملل عام^{*} الزامی برعهده دولتها می گذارد که در گیر و دار مخاصمات مسلحانه رعایت

۵. پاراگراف های ۳۳ و ۳۴ که یکجا مورد مطالعه قرار گیرند.

۶. پاراگراف ۱۰۴ نظر مشورتی.

*. اصطلاح Droit international général را که حقوق بین الملل عام ترجمه کرده ایم، همان حقوق بین الملل عرفی است.

محیط زیست باید در نظر گرفته شود. در انجام آن، وقتی قصد دارند درباره آنچه در تعقیب هدفهای نظامی لازم و مناسب است اقدام کنند، از این پس باید مقتضیات محیط زیست را رعایت نمایند.

تعهد دولتها در رعایت محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه

تعهد دولتها به رعایت محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه ناشی از تعهد کلی تری است در حفظ محیط زیست، از جمله ناشی از تعهد به خودداری از آلوده ساختن مناطق واقع در خارج از حوزه صلاحیت ملی.

تعهد عام دولتها در رعایت محیط زیست

بیانیه استکهلم راجع محیط زیست،^۷ بیانیه ریو راجع به محیط زیست و توسعه،^۸ قطعنامه‌های پرشمار مجمع عمومی ملل متحد، و بالاخره چندین کنوانسیون که به خصوص با محیط زیست سر و کار دارند، نه فقط بیانگر نگرانی دولتها در این زمینه است، بلکه بیانگر وجود تکلیفی کلی در پیشگیری از وارد آوردن خسارات بر محیط زیست نیز هست. منظور قاعده‌ای اساسی در حقوق بین الملل است که به خصوص در وجدان جامعه بین المللی به خوبی جا گرفته است.^۹ در چنین اوضاع و احوالی است که دیوان در عین حال که درخواست ۲۱ اوت ۱۹۹۵ نیوزلند را که خواهان رسیدگی به وضعیت طبق مجوز پاراگراف ۶۳ رأی ۲۰ دسامبر ۱۹۷۴ صادر در قضیه آزمایشهای هسته‌ای شده بود، در قرار ۲۴ سپتامبر ۱۹۹۵ تصریح می‌کرد «بی آن که لطمه‌ای به تعهد دولتها نسبت به محیط زیست طبیعی وارد آورد»

7. DOC.N.U. A/conf.48/Rev.I. 16 Juin 1978.

8. DOC. N.U. A/conf. 151/5. Rev. I. 14 juin 1972.

9. Alexandre Kiss, "Emergence des principes généraux de droit international de l'environnement", in *Le droit international face à l'éthique et à la politique de l'environnement*, no spécial de la Collection Stratégie Energétique Biosphère et Société (SEBES) Georg Ed., Suisse 1966, 17. 20 ets.

رأی صادر می کند.^{۱۱} جالب این که دیوان در نظر مشورتی اش درباره سلاح هسته‌ای، به صراحت به این قسمت از قرار^{۱۲} اشاره داده است، و این خود جز آن نیست که ماهیت عرفی تعهد دولتها در حفظ محیط زیست تأیید گردد.

تعهد دولتها به خودداری از آلوده ساختن مناطقی واقع در خارج از حوزه صلاحیت ملی آنان

از آنجا که قدرت ویرانگر سلاح هسته‌ای نه در فضا قابل جلوگیری است نه در زمان، دولتهایی که از نظریه غیر مجاز شماری این سلاح دفاع می کنند، چه در مرحله تبادل لوابیح و چه در مرحله دادرسی، به تعهدی در خودداری از ایراد خسارت به محیط زیست واقع در خارج از حوزه صلاحیت ملی استناد جسته اند. رأی داوری مشهوری است که در ۱۱ مارس ۱۹۴۱ در قضیه کوره فلزگدازی ترای^{۱۳} که ایالات متحده را در مقابل کانادا قرار می داد، اول بار فکری را در مفهومی بیان می کرد که آزادی عمل دولتها در سرزمینهایشان محدود تلقی می شود. در این رأی، داوران تأیید کردند که هیچ دولتی حق ندارد سرزمین خود را طوری مورد استفاده قرار دهد که دودهایی از سرزمینش در سرزمین دولت دیگر زیانهایی به بار آورد.^{۱۴} این رأی و به دنبال آن، رأی ۱۹ نوامبر ۱۹۵۶ در قضیه دریاچه لانو^{۱۵} که فرانسه را طرف اسپانیا قرار می داد،^{۱۶} مبنای حقوقی اصل ۲۱ بیانیه استکهلم قرار دارد که به این موضوع اختصاص و در اصل ۲ بیانیه ریو هم تأیید شده که نسبت به بیانیه استکهلم فقط کلمه توسعه را بر آن می افزاید. این دو اصل به تعهد دولتها اختصاص یافته اند تا

10. CIJ Recueil 1955, p. 306 paragraphe 64.

۱۱. پاراگراف ۳۲ نظر مشورتی.

*. Trail.

12. Recueil des sentences arbitrales (ONU) vol.III. p.907.

** . Lanoux.

13. Recueil des sentences arbitrales.

فعالیت‌هایی که در حوزه حاکمیت خود به عمل می‌آورند حمایت محیط زیست واقع در خارج و فراتر از این حوزه را رعایت کنند.

در پی رأی داوری در قضیه کوره فلز‌گذاری ترای، قاضی کاسترو* در عقیده مخالفی در قضیه آزمایش‌های هسته‌ای، در سال ۱۹۷۴ اعلام می‌دارد «از تشابهی بدیهی چنین نتیجه‌ای بدست می‌آورد» که استرالیا حق دارد از دیوان درخواست کند دادخواست اش را بپذیرد که طبق آن «فرانسه به ریزش‌های رادیو-اکتیو بر سرزمین استرالیا پایان بخشد».^{۱۴} همین است دلیلی که بعدها نیوزلند در عرض حال ۲۱ اوت ۱۹۹۵ اقامه می‌کند. این دولت از دیوان تقاضا کرد حقوقی را که بر اثر ریزش مواد رادیو-اکتیو و از سرگیری آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه به نحو زیانباری لطمه می‌بینند، به رسمیت بشناسد.^{۱۵} امتناع دیوان از ترتیب اثر دادن به تقاضای نیوزلند امکان نداد که به دقت بیشتری در این موضوع نظر بدهد. دیوان فرصت یافت ضمن بررسی عرض حال نیوزلند مبنی بر مجاز شماری سلاح هسته‌ای گامی بیشتر بردارد و این بار بی‌ابهام رأی صادر کند. از نظر دیوان، «تعهد عام دولتها در مراقبت از این که فعالیت‌هایی که در حوزه حاکمیتشان یا تحت نظارتشان به عمل می‌آیند باید محیط زیست دولتهای دیگر یا مناطقی را که تحت هیچ حاکمیتی قرار ندارند رعایت کنند، در حال حاضر در عداد مجموع قواعد حقوق بین الملل محیط زیست قرار گرفته‌اند».^{۱۶}

کاربردپذیری حقوق بین الملل محیط زیست در گیر و دار مخاصمات مسلحانه در محضر دیوان این مسأله به میان آمد که اصول بیانیه‌های استکهلم و ریو

*. Castro.

14.C.I.J. Recueil 1974 p.389.

15.Vincent Coussirat Coustère "La reprise des essais nucléaires français devant la C.I.J. (Observations sur l'ordonnance du 22 septembre 1995" A.F.D.I. 1995, pp. 354 et s.

۱۶. پاراگراف ۲۹ نظر مشورتی.

به خصوص اصل ۲۱ و اصل ۲ را می‌توان یا نمی‌توان در جریان مخاصمات مسلحانه به کار بست. قدرتهای مجهز به سلاح هسته‌ای به چنین کاربردی بشدت اعتراض کرده‌اند. در دیدگاه ایالات متحده که روشن‌تر بیان شده: «به‌طور مسلم، از نصّ اصل ۲۱ چنین برمی‌آید که اصل مورد نظر بر مبنای تعادلی فرض شده که وجود حقوق ناشی از حاکمیت دولت در بهره‌برداری از منابع طبیعی‌اش بر اثر وجود تعهدی است که اعمال این حقوق خسارتی به دولتها و مناطق دیگر وارد نیاورد». ایالات متحده به این نتیجه می‌رسد که «اصل مذکور بدین منظور نوشته نشده که نسبت به مخاصمه‌ای مسلحانه به کار برده شود چه رسد به منظور بکارگیری سلاح هسته‌ای در سرزمین خارجی». ^{۱۷} اهمیت این مسأله برای ایالات متحده چنان بود که بی‌تردید به دیوان هشدار دهد که تصمیمی «مؤید این نظر اتخاذ نکند که این اسناد بکارگیری سلاح هسته‌ای را منع یا محدود کنند» و بدین ترتیب «عامل نوین و اختلاف‌انگیزی در گستره همکاری بین‌المللی وارد نسازد». ^{۱۸} دیوان هم کوتاهی نکرد که این تهدید به زحمت پوشیده را مورد توجه قرار دهد و در قالب الفاظ «شکننده ساختن سلطه حقوق و حسن اعتمادی که در مذاکرات لازم است» بیان دارد. ^{۱۹}

معمولاً چنین پذیرفته شده که آغاز مخاصمه‌ای مسلحانه خودبخود موجب لغو عهدنامه‌های حمایت محیط‌زیست نمی‌شود و دولتهای در حال جنگ مکلف‌اند محیط‌زیست را در جریان عملیات نظامی رعایت کنند. آن چه در دو جنگ خلیج فارس عمل شده صحت این نظر را تأیید می‌کند. چنین است که در پی حملات عراق به تأسیسات نفتی آف - شور* در ایران، در مارس ۱۹۸۳، ایران مقررات کنوانسیون منطقه‌ای ۲۴ آوریل ۱۹۷۸ را مورد استناد قرار می‌دهد که درباره همکاری در زمینه

17. Exposé écrit du gouvernement des Etats-Unis d'Amérique du Nord 20 juin 1955. Traduction p.79.

18. Ibid., p.21.

۱۹. پاراگراف ۲۸ نظر مشورتی.

*. Offshore.

حفظ محیط زیست دریایی علیه آلودگی است. عراق، از نظر خود، چنین استدلالی را رد می‌کرد و دلیل می‌آورد که این کنوانسیون نسبت به مخاصمات مسلحانه کاربردپذیر نیست.²⁰ گروه کارشناسانی که کمیسیون جامعه‌های اروپا برای بررسی این مسأله گرد می‌آورد، به این نتیجه می‌رسد که تعهد عامی که در خودداری از وارد ساختن خسارت به دولتهای دیگر وجود دارد، درگیر و دار منازعات مسلحانه در روابط دولتهای جنگنده و دولتهای ثالث کاربردپذیر است. این نتیجه مبتنی بر تعهدی است در حقوق بین‌الملل محیط زیست که دولتها را ملزم می‌دارد فراتر و خارج از حوزه حاکمیت ملی خود خسارتی به دولتهای دیگر نرسانند.²¹

قطعنامه ۵۴۰ شورای امنیت در ۳۱ اکتبر ۱۹۸۳ در راستای چنین گرایشی است که به نظر می‌رسد از این پس الزام آور شده باشد. در واقع، این قطعنامه از ایران و عراق می‌خواست: «از هر عملی که در منطقه خلیج (فارس) صلح و امنیت، همچنین حیات وحش و نبات را به خطر بیندازد، خودداری کنند». همین تذکر نسبت به قطعنامه ۶۸۷ سوم آوریل ۱۹۹۱ که در پایان جنگی صادر شد که کویت را علیه عراق قرار می‌داد، عراق را «به موجب حقوق بین‌الملل مسؤول هرگونه اتلاف، خسارت، و از جمله خسارات وارد بر محیط زیست و ویرانسازی منابع طبیعی» دانسته است. جزایر سلیمان، برای دفاع از نظریه کاربردپذیری قواعد اساسی حقوق بین‌الملل محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه، ضمن طرح ادله شفاهی از استناد به قطعنامه فوق دریغ نکرده است.²²

با این که دیوان «بر این عقیده بود که مسأله آن نیست که عهدنامه‌های

20. Paul Tavernier "La guerre du Golfe: quelques aspects de l'application du droit humanitaire" *A.F.D.I.* 30 (1984), p. 50.

21. European Communities commission Internal DOC SJ/110/85 pp. 47 et s. Cité par Eric David "La guerre du Golfe et le droit international" *Revue belge du droit international* 1987, no. 1, p. 165.

22. CR 95/53 traduction p.60.

محیط زیست در گیر و دار مخاصمات مسلحانه کاربرد دارد یا ندارد»^{۲۳} از تحلیل دلایل رأی چنین بر می آید که گرایش صریحی در جهت استمرار وجود تعهدی در حفظ محیط زیست در جریان جنگ به دست می آید. دلیلی که آورده می شود گنجاندن نصّ کامل اصل ۲۴ اعلامیه ریو در عداد دلایل نظر مشورتی است، به اتکاء تأیید نظر دیوان که دولتهای متخاصم را مکلف به رعایت ملاحظات اکولوژیک کرده است. به هر حال، بنابراین اصل «جنگ آثاری بر توسعه ماندگار به جای می گذارد که ذاتاً ویرانگر است. این است که دولتها باید حقوق بین الملل مربوط به حمایت محیط زیست را در جریان مخاصمه ای مسلحانه رعایت کنند و در صورت لزوم در توسعه آن شرکت جویند»^{۲۴} این نتیجه درست همان است که مجمع عمومی ملل متحد در سال ۱۹۹۳، در پایان مباحثات راجع به حمایت محیط زیست در جریان منازعات مسلحانه به دست می آورد، در عین حال خاطر نشان می ساخت که رعایت حقوق بین الملل محیط زیست به وسیله جنگندگان در روابط آنان با دولتهای ثالث رعایت شود.^{۲۵}

مسأله این بود که گرایش دیوان در جهت رعایت حقوق بین الملل محیط زیست در جریان منازعات مسلحانه می تواند منعی کلی در به کارگیری سلاح هسته ای نتیجه دهد. از دیدگاه انگلستان، اصل ۲۴ اعلامیه ریو به هیچ وجه در حکم منع آمرانه توسل به تهدید یا بکارگیری این سلاح تلقی نمی شود.^{۲۶} همین است نتیجه ای که دیوان بدان دست یافت. در واقع، دیوان «بر این نظر نیست که این عهدنامه ها دولتی را از اعمال حق دفاع مشروع به موجب حقوق بین الملل و تعهداتی که در حمایت محیط زیست متوجه اوست محروم سازند». با این وصف، دیوان به صراحت اعلام می دارد که «دولتها در حال حاضر باید مقتضیات اکولوژیک را به شمار آورند، وقتی

۲۳. پاراگراف ۳۰ نظر مشورتی.

۲۴. پاراگراف ۳۰ نظر مشورتی.

25. Rapport du Secrétaire Général DOC.N.U. A/48/269 du 29 juillet 1993 paragraphe 24.

26. Exposé écrit du gouvernement du Royaume-Uni de Grande-Bretagne et d'Irlande du Nord, traduction p. 57.

قصد دارند درباره آن چه در تعقیب هدفهای نظامی مشروع لازم و مناسب باشد، اقدام کنند. رعایت محیط زیست یکی از عواملی است که امکان می دهد مطابقت عملی با اصول ضرورت و تناسب مورد بررسی قرار گیرد».^{۲۷}

اجرای حقوق بین الملل انسانی در رعایت محیط زیست

اصول ضرورت نظامی و تناسب که هر عملیات نظامی باید از آن پیروی کند، به طور تبعی حمایتی هم نسبت به محیط زیست فراهم می آورد، و با وجود مشکلاتی که ارزیابی آنها در هر مورد خاص به بار می آورد.

تبعیت عملیات نظامی از اصول ضرورت و تناسب

معمولاً در این نکته اتفاق نظر حاصل است که حقوق بین الملل انسانی مبتنی بر تعادلی است بین ضرورتهای نظامی و ضرورتهای بشری. برای حفظ این تعادل، دولتها مکلف اند که در جریان عملیات نظامی، همواره نسبت معقولی بین ضرورتهای نظامی و زیان حاصل از آن نگهدارند، تبعیت عملیات نظامی از اصول ضرورت نظامی و تناسب می بایست تعادل مطلوبی را تضمین کند. قواعد عرفی حقوق مخاصمات مسلحانه جنگندگان را ملزم می دارند که از این دو اصل تبعیت کنند. نخست، قاعده ماده ۲۳ g پیوست چهارمین کنوانسیون لاهه ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ است در جهت منع «ویرانسازی یا ضبط اموال دشمن، مگر این که ویرانسازیها و ضبط اموال، به حکم ایجاب ضرورت به عمل آمده باشند، و قاعده ای که آخر ماده ۵۳ چهارمین کنوانسیون ژنو راجع به حمایت اشخاص غیر نظامی در جریان جنگ مقرر شده که به هر حال نسبت به اموال واقع در سرزمین تحت اشغال حمایت بیشتری معمول می دارد. در واقع به موجب این ماده، این ویرانسازیها مجاز نیست مگر این که عملیات نظامی مطلقاً ضروری ایجاب کرده باشند». به ظاهر، عبارت اخیر آزادی عملی را که در

۲۷. پاراگراف ۳۰ نظر مشورتی.

پیوست کنوانسیون لاهه مقرر شده با ذکر الفاظ «به حکم ایجاب ضرورت»^{۲۸} باز هم بیشتر محدود می‌کند. تفسیرهای دکترین از ضرورت جنگ وجه مشترکی عرضه می‌دارند و مشکلی به بار نمی‌آورند. معمولاً ضرورت جنگ بیانگر وضعیتی است که فرماندهی را مجاز می‌دارد بی‌درنگ لزوماً تدابیری اتخاذ کند، که قوانین و عرفهای جنگ منع نکرده باشند، و به منظور تسلیم دشمن هرچه زودتر به کار بندد، با این وصف و به شرطی که فراتر از نسبت معقولی نرود که باید بین پیشروی نظامی و زیان حاصل از آن رعایت شود.^{۲۹} مقوله ضرورت نظامی که به مقوله نسبت معقول یا تناسب بپیوندد، به نفع اشخاص و اموال محدودیتهای قابل توجهی مقرر می‌دارد.

حمایتی که اصول ضرورت و تناسب نسبت به محیط زیست عرضه می‌دارند اصول ضرورت و تناسب که محدودیتهایی بر ویرانسازی اموال دشمن مقرر می‌دارند، به طور مسلم در آغاز به منظور حمایت محیط زیست پنداشته نشده‌اند. با این حال، بر اثر لطماتی که ویرانسازی تأسیسات نفتی کویت و عراق به محیط زیست وارد آورده‌اند، کوشیده‌اند که کاربرد این اصول را شامل محیط زیست نیز بنمایند. دکترین در این زمینه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. در جریان مباحثاتی در این مسأله، بعضی حقوقدانان مشهور بر این باورند که عناصر محیط زیست که در گیر و دار جنگ شرکتی نداشته‌اند، می‌بایست به منزله اموال غیر نظامی تلقی شوند و در جریان

28. Richard G. Tarasofsky, "Legal Protection of the Environment during International Armed Conflict", *Netherlands Yearbook of International Law* 24 (1993), p. 43.

29. Cf. entre autres William Gerald Downey, "The Law of War and Military Necessity" *A.J.I.L.* 47 (1953), pp. 254 et s.

عملیات جنگی نسبت به آنها در حکم همین اموال رفتار شود.^{۳۰} بدین ترتیب، قواعد حاکم بر عملیات نظامی و به خصوص قواعد حمایت اموال دشمن، به قرار اصول ضرورت و تناسب، می‌توانند به طور تبعی حمایتی به نفع محیط زیست فراهم آورند.^{۳۱} کنفرانس کارشناسان دربارهٔ بکارگیری محیط زیست به منزلهٔ ابزار جنگ متعارف که در ژوئیه ۱۹۹۱ در اتاوا برگزار شد، به همین نتیجه رسید.^{۳۲} کتاب سان رمو،^{*} تحت عنوان «حقوق بین الملل کاربردهای در مخاصمات مسلحانه در دریا» که به کوشش انترناسیونالیست‌ها و کارشناسان دریایی در ژوئیه ۱۹۹۱ تدوین شده که تحت توجهات مؤسسهٔ بین المللی حقوق انسانی^{**} گرد آمدند، در همین جهت اظهار نظر می‌کند. بنابر پاراگراف ۴۴ این کتاب که در سال ۱۹۹۴ مورد تصویب و نظر مساعد دولتها قرار گرفته، «روشها و ابزارهای جنگی باید لزوماً طبق قواعد حقوق بین الملل به کاربرده شوند. خسارات و ویرانسازی محیط زیست طبیعی که ضرورت نظامی ایجاب نکند و خودسرانه به عمل آیند، ممنوع اند».^{۳۳} در این تألیف، مقررات این

30. Michael Bothe "The Protection of the Environment in Times of Armed Conflict: Legal Rules, Uncertainty, Deficiencies and Possible Development" Paper presented at Ottawa Conference. Mimeo p. 4. Cette idée fut reprise par l'auteur au Qatar, à l'occasion de l'International Law Conference "Protection of the Environment in Times of Armed Conflict" in Dr Najeeb Al-Naumi et Richard Meese, eds., *International Legal Issues Arising under the United Nations Decade of International Law*, (Martinus Nijhoff Publishers, 1995), p. 98.

31. Bernard H. Oxman, "Environmental Warfare" *Ocean Development and International law* 22 n^o. 4, (October December, 1991) p. 434.

32. Le Président de la Conférence concluait en disant: "Participants considered that certain well established principles of customary international law such as the rule of proportionality and the prohibition of military operations not directed against legitimate military targets and the destruction of enemy property not imperatively demanded by the necessities of war have direct implications for the protection of the environment.

*. Manuel de san Remo.

** Institut international de droit humanitaire.

۳۳. کتاب سان رمو بدون تفسیرهای مربوط در منبع ذیل انتشار یافته:

Revue internationale de la Croix Rouge N^o 816 Nov-Déc. 1995.

پاراگراف همان مقررات قطعنامه ۴۷/۳۷ را کم و بیش بازگو می کند که به تاریخ ۲۵ نوامبر ۱۹۹۲ تحت عنوان «حمایت از محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه» تصویب شده است. دیوان بین المللی دادگستری هم به صراحت به همین قطعنامه اشاره می کند و بر این باور است که «این قطعنامه بیان اعتقاد عمومی است که مقتضیات اکولوژیک را یکی از ارکان کاربرد اصول حقوق در گیر و دار مخاصمات مسلحانه به شمار می آورد».^{۳۳} این قطعنامه بیان می دارد که «ویرانسازی محیط زیست که ضرورت جنگی ایجاب نمی کند و فایده ای هم عرضه نمی دارد، آشکارا مغایر حقوق بین الملل جاری است». حق این است که این قطعنامه در عداد قطعنامه هایی تلقی شود که، به گفته خود دیوان، «ارکان مهم دلیلی در جهت اثبات وجود قاعده ای عرفی یا تجلی رکن معنوی عرف* به دست می دهند»^{۳۴} دستیابی به کیفیت این قاعده که از این پس عرفی تلقی می شود و تأیید کاربردپذیری اش از طرف دیوان در جریان مخاصمات مسلحانه مهمترین آورده نظر مشورتی دیوان در حمایت محیط زیست در جریان چنین مخاصماتی است.

مشکلاتی که ارزیابی اصول ضرورت و تناسب به بار می آورند

به طور مسلم، مفهوم ضرورت نظامی به هر حال مقوله ای گریزپاست و بیم کاربرد بیش از حد آن واقعی است. بسیار به جا، حقوقدانان آن را «دسته فام»^{۳۵} وصف کرده اند. در حقیقت، مشکل از اینجاست که براساس ضوابط عینی نمی توان اظهار نظر کرد که خسارات عملیات نظامی نسبت به توفیق های نظامی بیش از حد بوده اند یا نبوده اند. پاسخ به چنین پرسشی مستلزم آن است که در هر مورد وضع

۳۳. پاراگراف ۳۲ نظر مشورتی.

*. Opinio Juris.

۳۴. پاراگراف ۷۰ نظر مشورتی.

** "Bête noire" منظور شخص یا چیزی است که موجب دل نگرانی یا نفرت عمیق باشد.

حاکم بر عرصه جنگ آنهم در لحظه تصمیم شروع عملیات مورد بررسی قرار گیرد. در واقع، فقط دادگاهی نظامی می‌تواند اظهار نظر کند، آنهم بر مبنای کارشناسی نظامی. این مسأله در فردای جنگ جهانی دوم در محضر دادگاه بین‌المللی نورنبرگ به میان آمد. چنین است که دادگاه توانست بی‌اشکال کاربرد این اصل را عملی سازد و از بین بردن جنگل چوبهای مختص کارهای هنری لهستان را که به دستور مقامات آلمانی اشغالگر^{۳۶} انجام می‌گرفت محکوم کند. به عکس وقتی ژنرال آلمانی لوتار رندولیک* را به جرم صدور دستور ویران کردن وسیع استان فینمارک** واقع در شمال نروژ که در نتیجه ۶۰۰۰۰ گرسنه و بی‌خانمان به جای گذاشت تحت پیگرد قرار دادند، به همان ترتیب رأی صادر نشد. بنابر شک و تردیدهای حاکم در لحظه صدور دستور، به خصوص با توجه به عده، تجهیز و روحیه جنگ طلبی نیروهای شوروی، دادگاه این ویرانگریها را به حکم ضرورت جنگ مجاز اعلام کرد.^{۳۷} این رأی از انتقاد در امان نماند.

از نظر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، در حالاتی که نسبت به رعایت اصل تناسب شک و تردیدهایی وجود دارد، نفع مردم غیرنظامی (سیویل) باید ارجح به شمار آید،^{۳۸} آنهم تاحدی که در کنوانسیونهای حقوق بین‌الملل انسانی شرطی مستتر وجود نداشته باشد که متضمن تقدم مقتضیات نظامی باشد.^{۳۹} تا آن جا که

36. Richard A. Falk "Environmental Disruption by Military Means and International Law" in A..H. Werting, ed. *Environmental Warfare: A Technical Legal and Policy Appraisal* (London: Taylor and Francis, 1984), pp. 325.

*. Lothier Rendulik.

**.. Finmark.

37. Hans-Heinrich Jescheck "Nuremberg Trials" in *Encyclopedia of Public International Law*, Instalment 4, p. 55.

38. *Commentaire des Protocoles additionnels du 8 juin 1977 aux Conventions de Genève du 12 août 1949* par Claude Pilloud et al. Martinus Nijhoff Publishers Genève 1986, p. 640, paragraphe 1979.

39. *Ibid.*, p. 702 paragraphe 2206.

مربوط به سلاح هسته‌ای است، بیم آن می‌رود که چنین توصیه‌ای چندان کمکی نکند. کمیته صریحاً بدین نکته پی برد که «در حدّ این قواعد، به خصوص اصل تناسب، به دقت نمی‌توان مرز بکارگیری مجاز و بکارگیری غیرمجاز سلاح هسته‌ای را مشخص کرد».⁴⁰ بدین دلیل کمیته در نامه‌ای که درست قبل از شروع مرحله دادرسی به رئیس دیوان فرستاد بدینانه چنین ابراز کرد که «تفسیر اصل تناسب به عقیده ما به نحوی نیست که تغییری در مسأله حاصل کند».⁴¹ کمیته به این نتیجه می‌رسد که توسل به سلاح هسته‌ای از پیش مغایر قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل انسانی است. پس از تأیید به اتفاق آرا که توسل به سلاح هسته‌ای باید با مقتضیات این مجموعه حقوق سازگار باشد،⁴² دیوان به نتیجه مشابهی می‌رسد. به عقیده دیوان، از این مقتضیات چنین بر می‌آید که «تهدید یا بکارگیری سلاح هسته‌ای معمولاً مغایر قواعد حقوق بین‌الملل کاربردی در مخاصمات مسلحانه است».⁴³

۲

حمایتی که پروتکل الحاقی I عرضه می‌دارد

علاوه بر پروتکل الحاقی I سال ۱۹۷۷ کنوانسیونهای ژنو سال ۱۹۴۹ که بعضی مقررات آن مستقیماً ناظر بر حمایت محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه است، دولت‌های موافق نظریه غیرمجاز شماری سلاح هسته‌ای به کنوانسیون «منع به کارگیری تکنیک‌های تغییر محیط زیست با مقاصد خصمانه» استناد جسته‌اند. ماده

40. *Ibid.*, p. 606 paragraphe 1860.

41. Lettre du 19 septembre 1995, sous la cote DDM/DIR 95/846, adressée par Yves Sandoz, Directeur de la Direction du droit international et de la doctrine, Comité international de la Croix-Rouge au Président Bedjaoui.

42. Lettre D du dispositif de l'avis.

43. Lettre E du dispositif de l'avis, adopté par 7 voix contre 7 par la voix prépondérante du Président.

۱ این کنوانسیون، که انمد* نام گرفته، به هر حال به کارگیری سلاحی را که نسبت به محیط زیست «آثاری گسترده، ماندگار یا وخیم در بردارد»، منع می کند. در حالی که موارد مربوط در پروتکل ناظر بر حمایت محیط زیست در برابر اعمال خصمانه ای است که به طور تبعی ناشی از بکارگیری سلاح موجود است، این کنوانسیون راجع به سلاحی است مختص دستکاری فرایندهای طبیعی به منظور وارد آوردن خسارت بر دشمن. در این حالت صحبت از جنگ ژئو- فیزیک است. موافقتنامه تفسیری پیوست کنوانسیون چند مثال می آورد. به خصوص صحبت از زمین لرزه، دگرگونی تعادل اکولوژیک، همچنین تغییرات جوی است که بارش آسمانی و گردباد برمی انگیزد.^{۴۴} با این که می توان سلاحی هسته ای به منظور دستکاری محیط زیست^{۴۵} به کار برد، دیوان فایده ای بر آن مترتب ندانست در این باب تأمل روا دارد، تا آنجا که به حقوق قراردادی مربوط است، فقط پاراگرافهای ۳ و ۵۵ ماده ۳۵ پروتکل را مناسب تشخیص داد که به عقیده دیوان «محدودیت‌های پرتوانی» بر دولت‌های عضو مقرر می دارند.^{۴۶}

کاربرد مناسب پروتکل الحاقی I

به طور مسلم، از این پس مقررات پروتکل را نسبت به سلاح هسته ای هم می توان به کاربرد. بعضی از آن مقررات حمایت بلافصلی نسبت به محیط زیست فراهم می آورند، بعضی دیگر، با این که بدین منظور استنباط نشده اند، می توانند به طور تبعی همین اثر را جاری سازند.

*. ENMOD.

44. Déclaration du représentant de l' URSS à l' Assemblée Générale des Nations Unies A/C. 1/PV 1998 21 octobre 1974.

45. Exposé oral des Etats-Unis d' Amérique CR 95/34. Traduction p. 91.

۴۶. پاراگراف ۳۱ نظر مشورتی.

مقررات پروتکل نسبت به سلاح هسته‌ای کاربرد دارند

در جریان امضای پروتکل در پایان کنفرانس دیپلماتیک راجع به تأیید مجدد و توسعه حقوق انسانی کاربردپذیر در مخاصمات مسلحانه، قدرتهای مجهز به سلاح هسته‌ای تصریح می‌کنند که این پروتکل نسبت به سلاح هسته‌ای اثری ندارد.^{۴۷} این نظریه را همین دولتها در محضر دیوان از نو طرح می‌کنند و توسعه می‌بخشند. بدین مناسبت، بیشتر بر این نکته اصرار می‌ورزند که قواعد نوین پروتکل، دقیقاً آن قواعدی که با حمایت محیط زیست سر و کار دارند و دولتهای موافق با غیرمجاز شماری سلاح هسته‌ای در استدلالشان به کار برده اند، نسبت به سلاح هسته‌ای کاربردی ندارند. وانگهی این تفسیر با تفسیر نیمه رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در این مسأله بیشتر تطبیق می‌کند. به نظر کمیته، در جریان تصویب پاراگراف ۳ ماده ۳۵ پروتکل حمایت محیط زیست، «هیچ اشاره‌ای به سلاح هسته‌ای به چشم نمی‌خورد، آنهم سلاحی که به هر حال، بنا بر کیفیت اش، لطمه عمیقی به محیط زیست طبیعی وارد می‌سازد».^{۴۸} فریس کالزوفن* به استناد همین سکوت، در کتابی که به کمک کمیته هم انتشار یافته، به این نتیجه می‌رسد که هیچ قاعده نوینی مصوب کنفرانس، به خصوص قاعده‌ای راجع به حمایت محیط زیست، سلاح هسته‌ای را در بر نمی‌گیرد.^{۴۹} با این وصف، در نامه کمیته به دیوان که ذکر آن رفت، به ظاهر

47. Le passage pertinent de la Déclaration du Royaume-Uni est ainsi rédigé: "The new rules introduced by the Protocol are not intended to have any effect on and do not regulate or prohibit the use of nuclear weapons". Le passage pertinent de la Déclaration des Etats-Unis d'Amérique est rédigé en termes identiques, à cette différence près qu'elle ne fait pas allusion aux nouvelles règles introduites par le Protocole. D'après les Etats-Unis, "the rules established by this Protocol were not intended to have any effect on and do not regulate or prohibit the use of nuclear weapons". Cf. Commentaire des Protocoles additionnels; op. cit. p. 601 note 23.

48. *Ibid.*, p. 602 paragraphe 1847.

*. Frits Kalshoven.

49. Frits Kalshoven "Restrictions à la conduite de la guerre" Comité international de la Croix-Rouge Genève 1991 p. 91. La Fédération de la Russie se réfère à ce passage du livre dans son exposé oral devant la Cour. CR 95/29 traduction p. 37.

کمیته موضعی خیلی بیشتر زیر و بم دار گرفته است. به هر حال، در این نامه تصریح شده که وضعیت موجود در جریان مذاکرات کنفرانس دیپلماتیک، به طور مسلم، خللی بر توسعه حقوق عرفی در آینده وارد نمی آورد. به عقیده کمیته، این نظر مؤکد بر اثر قبول هر چه گسترده تر پروتکل در مجموع و یا دست کم قبول اغلب اصول و قواعدی که اعلام می دارد، توجیه می شود. به حق می توان سؤال کرد تا چه حد این موضعگیری توانسته است دیوان را در جهت کاربردپذیری قواعد حمایت از محیط زیست و مندرج در پروتکل برانگیزد و به این نتیجه برسد که این قواعد محیط زیست را مشمول «حمایتی تکمیلی»^{۵۰} قرار می دهند.

مقررات پروتکل که بلافاصل از محیط زیست حمایت می کنند

مقررات پروتکل راجع به حمایت محیط زیست که دولتها بدان احاله می دهند، از ابتکارهای گروهی دولتهای سوسیالیست اروپای شرقی است که لطمات بر محیط زیست را که امریکا در گیر و دار جنگ ویتنام وارد کرده است همواره به خاطر داشته اند همچنین استرالیا. به حق خاطر نشان کرده اند توجهی که استرالیا در آن زمان نسبت به محیط زیست ابراز می داشت چندان هم با اختلافی که در قضیه آزمایشهای هسته ای او را در برابر فرانسه قرار می داد بی مناسبت نبود.^{۵۱}

پروتکل در وهله اول موضوع حمایت محیط زیست را از جنبه روشها و وسایل جنگ بررسی می کند. بنابر پاراگراف ۳ ماده ۳۵، «به کارگیری روش و وسایل جنگی» که برای وارد آوردن خسارت اندیشیده شده اند یا بتوان انتظار داشت که خسارات گسترده، ماندگار و وخیمی بر محیط زیست وارد خواهند ساخت منع شده اند. چنین منعی یکی از نتایج منطقی اصلی است که حق نامحدود جنگندگان را در انتخاب

۵۰. پاراگراف ۳۱ نظر مشورتی.

51. Philippe Bretton "Le problème des méthodes et moyens de guerre et de combat dans le Protocole additionnel I de 1977" R.G.D.I.P. 82 (1978), p. 59.

روشها و وسایل جنگی نفی می کند. این اصل که در پاراگراف ۱ همین ماده ذکر شده یکی از دو اصل «اساسی در متون تشکیل دهنده بافت حقوق بین الملل انسانی است».^{۵۲}

پروتکل مقررہ دومی به حمایت محیط زیست اختصاص می دهد، این بار به منظور تأمین سلامت و بقای مردم و نه حفظ تمامیت محیط زیست. بنابر ماده ۵۵ پروتکل، «جنگ باید به طور ی جریان یابد که بحق نسبت به محیط زیست طبیعی در برابر خسارتهای گسترده، ماندگار و وخیم مراقبت به عمل آورد. این حمایت بکار گرفتن روشها و وسایلی جنگی را منع می کند که برای وارد آوردن خسارت اندیشیده شده اند، و یا بتوان انتظار داشت، که به محیط زیست خساراتی وارد خواهد آورد و بدین ترتیب سلامت و بقای حیات مردم را به خطر بیندازد. همانطور که می توان پی برد، مقررات پاراگرافهای ۳ و ۵۵ ماده ۳۵ در بعضی وجوه همدیگر را می پوشانند، بی آن که در این وجوه تکرار همدیگر باشند، اولی ناظر بر محیط زیست است، در حالی که دومی صریحاً با سلامت و بقای انسان سر و کار دارد».^{۵۳}

مقررات پروتکل که محیط زیست را به طور تبعی حمایت می کند در مفهومی گسترده، مقوله محیط زیست محیط حیاتی را نیز در بر می گیرد که فضای زندگی بشری است. بنابراین تعریف که از این پس مسلم به نظر می رسد، اموالی که به منظور بقای مردم لازم تشخیص داده می شوند، جزو این تعریف به شمار می روند. از این قرارند اموالی همچون مواد خوراکی و مناطق کشاورزی تولید آن مواد، حیوانات، مستحذات آبیاری، همچنین تأسیسات و مخزنهای آب شرب. بنابر پاراگراف ۳ این ماده، حمله، ویرانسازی و از حیز انتفاع انداختن آنها منع شده اند، مگر آن که یکی از طرفهای متخاصم در شرایطی اقدام کند که در پاراگراف ۳ همین ماده مقرر است.^{۵۴} پاراگراف ۷۸ نظر مشورتی.

53. Commentaire des Protocoles additionnels, op. cit., p. 681 paragraphe 2133.

شده است. با این که مقررات ماده ۵۴ در دیدگاه منع قحطی به منزلهٔ روش جنگ آنها با انگیزهٔ از بین بردن یا دست کم ناتوان ساختن مردم دولت متخاصم اندیشیده شده اند، بی تردید می توانند حمایتی هرچند تبعی نسبت به محیط زیست فراهم آورند. حتی قبل از شروع کنفرانس دیپلماتیک، دریغ نشد که اهمیت چنین مقرره ای را برای حمایت محیط زیست گوشزد کنند.^{۵۴} این کیفیت به خصوص در مورد توسل به سلاح هسته ای صحیح به نظر می رسد. به هر حال، این سلاح، با توجه به خصوصیات ویرانگرشان، قهراً آثار شومی هم نسبت به این اموال جاری می سازند و مشکلات وخیمی برای بقای مردم مناطق مورد اصابت به بار می آورند. همین استدلال را کوروما،^{*} قاضی دیوان بین المللی دادگستری، در عقیده مخالفی بیوست به رأی، ابراز کرده است.^{۵۵} به عقیدهٔ این قاضی، دیوان می بایست مسأله محیط زیست را در این جنبه رسیدگی می کرد، و شک نیست که بدین ترتیب به طور قابل ملاحظه ای موجب غنای مباحثات می شد.

همین تذکر نسبت به ماده ۵۶ پروتکل که به «حمایت مستحذات و تأسیسات حاوی نیروهای خطرناک اختصاص یافته قهراً وارد است، همچون سدها و مراکز هسته ای. جای شک نیست که توسل به سلاح هسته ای انکارناپذیرانه موجب ویرانسازی چنین تأسیساتی در مناطق مورد اصابت خواهد شد و از این رو، رهاسازی نیروهایی را که نسبت به محیط زیست می توانند فاجعه انگیز باشند، در پی خواهد داشت. این است که مقررات این ماده هم می توانند نسبت به محیط زیست حمایتی غیرمستقیم فراهم آورد.^{۵۶}

54. Géza Herczegh "La protection de l'environnement naturel et le droit humanitaire" in *Etudes et essais sur le droit international humanitaire et sur les principes de la Croix-Rouge en l'honneur de Jean Pictet* (Martinus Nijhoff publishers, 1984), p. 727.

*. Koroma.

55. Opinion dissidente du Juge Koroma p. 16.

56. DOC. N.U. A/48/269 op. cit. paragraphes 35 et 84.

«قیودی پرتوان» که پروتکل الحاقی I قهراً وارد می‌کند

قیود پرتوانی که پروتکل I قهراً وارد کرده است، به عقیده دیوان، ماهیتی قراردادی عرضه می‌دارند. برخلاف عقیده دیوان، خصوصیاتشان به قراری است که نمی‌توانند نسبت به محیط زیست، حمایتی تکمیلی فراهم آورند.

ماهیت قراردادی قیودی که پروتکل I قهراً وارد کرده است

دیوان به صراحت اعلام می‌دارد که پروتکل «نسبت به دولتهایی که به آن ملحق شده‌اند، قیود پرتوانی قهراً وارد می‌کند».⁵⁷ بدین ترتیب دیوان مقررات مربوط پروتکل را فاقد اعتبار عرفی می‌داند. دیوان در این مسأله مهم که موجب اختلاف نظر بین دولتها شده، هیچ دلیلی اقامه نمی‌کند، و فقط به قطعنامه ۴۷/۳۷ مجمع عمومی احاله می‌دهد. دیوان خاطر نشان می‌سازد در این قطعنامه، مجمع عمومی توجه می‌دهد که بعضی اسناد هنوز نسبت به دولتها الزام‌آور به شمار نمی‌روند و «همه دولتهایی را که هنوز انجام نداده‌اند فرامی‌خواند به عضویت کنوانسیونهای مربوط درآیند».⁵⁸ با این که این ترغیب ناظر بر پروتکل I نیز هست، دیوان لازم ندید که آن را تصریح کند.

به طور مسلم فکر حمایت محیط زیست در جریان مخاصمات مسلحانه فی نفسه تازگی دارد. به هر حال، پروژه پروتکلی که در بدو امر از طرف صلیب سرخ عرضه شده، هیچ مقررره‌ای در این موضوع پیش بینی نمی‌کرد.⁵⁹ ناگفته نماند که از این پس در جهت تلقی این پروژه به منزله بیان حقوق عرفی چندین نظر همصدا ابراز شده‌اند. چندین دولت از این نظریه در دیوان دفاع کرده‌اند. در عداد اینان، جزایر سلیمان را

57. Paragraphe 31 de l'avis.

58. Paragraphe 32 de l'avis.

59. Alexandre Kiss "Les Protocoles additionnels aux Conventions de Genève de 1977 et la protection de l'environnement" in Etudes et essais sur le droit international humanitaire et les principes de la Croix - Rouge, op. cit. p. 182.

می‌توان نام برد که طی اظهاراتی شفاهی، احاله به قطعنامه ۳۶۸۷ آوریل ۱۹۹۱ می‌دهد، قطعنامه‌ای که عراق را نسبت به خسارتهای وارد بر محیط زیست کویت، مسؤول اعلام کرده است. تا حدی که عراق در آن زمان هنوز به این پروتکل نگرویده بود، این مسؤولیت می‌توانست فقط از وجود عرفی نشأت بگیرد که خسارات و خیمی را که نسبت به محیط زیست وارد می‌شوند منع کرده باشد، عرفی مبتنی بر پاراگراف ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل.^{۶۰} با توجه به خودداری چندین عضو دائم شورای امنیت، در این مورد ایالات متحده، انگلستان و فرانسه از تصویب پروتکل، دست کم مشکل است که از این قطعنامه چنین نتیجه‌ای به دست آورد. در نظر سلسله جنابان این قطعنامه، مسؤولیت عراق بیشتر مبتنی است بر آخر ماده ۵۳ و ماده ۱۴۷ چهارمین کنوانسیون ژنو. در واقع، شورای امنیت، در قطعنامه ۶۴۷ بیست و نهم اکتبر ۱۹۹۰، به این کنوانسیون اشاره کرده بود تا خاطر نشان سازد که «عراق در سمت طرف عهدنامه، مکلف است که از جمیع جهات کلیه مقررات آن را اجرا کند، به خصوص مسؤول تخلفات و خیمی نسبت به این سند است»، و به طور صریح تر «ویرانسازی و تملک اموالی که ضرورت نظامی توجیه نمی‌کند». چنین به نظر می‌رسد که شورای امنیت ویرانسازی تأسیسات نفتی کویت را مطلقاً ضروری نمی‌دانست و از این رو مسؤولیت عراق را به میان می‌کشید^{۶۱} و به هر ترتیب که تصور شود، استدلالی که جزایر سلیمان اقامه می‌کرد، نسبتاً محکم به نظر می‌رسید تا آنجا که ویرامانتری^{*} قاضی دیوان، در عقیده مخالفش^{۶۲} بازگو می‌کند و القا می‌نماید که مقررات پاراگراف ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل مبتنی بر اصول مسلم حقوق بین الملل عرفی است.

60. CR 95/24, traduction, p.23.

61. Djamchid Momtaz "Les règles relatives à la protection de l'environnement au cours des conflits armés à l'épreuve du conflit entre l' Iran et l' Irak" A.F.D.I. 37 (1991), p. 217.

*. Weeramantry.

62. Opinion dissidente du Juge Weeramantry p. 52.

مشخصات محدودیت‌هایی که پروتکل I قهرآورد کرده است

مقررات پاراگراف ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ نمی‌توانند مورد استناد قرار گیرند مگر این که خسارات وارد شده بر محیط زیست در عین حال «گسترده، ماندگار و وخیم» باشند، ضوابطی بی‌دقت، مبهم و بسیار ذهنی‌گرا. مباحثاتی طولانی که قبل از اتخاذ این فرمول و تفسیرهایی که پس از تصویب پروتکل به عمل آمد، جز در بعضی موارد، متأسفانه به قراری نیستند که تفسیرهای آسان به دست دهند. معمولاً این طور استنباط کرده‌اند در منطقه‌ای که از پوشش گیاهی غنی و باارزشی برخوردار و تراکم جمعیت در حد بسیار بالاست، مشخصه گستردگی معادل مساحتی است که نسبت به منطقه‌ای بیابانی وسعت کمتری داشته باشد.^{۶۳} به هر ترتیب، در این نکته توافق حاصل است که زمین مورد اصابت چند صد کیلومتر مربع مساحت عرضه بدارد. در جریان کنفرانس دیپلماتیک، هیچ عامل زمانی دقیقی به دست نیامد که حد زمانی را مشخص سازد که پس از آن خسارات را بتوان «ماندگار» تلقی کرد. گروه «بیوتوپ»^{۶۴} که کنفرانسی به خصوص برای مشخص ساختن معنی و حد شمول این سه ضابطه تشکیل داده بود، فقط به ذکر این نکته اکتفا کرده که این فاصله زمانی را می‌توان ده سال یا بیشتر در نظر گرفت.^{۶۵} ضابطه سوم راجع است به وخامت خسارات وارد شده، تحقق آن طبعاً حاصل دو ضابطه دیگر است، هر خسارتی که سطح بسیار گسترده‌ای را بپوشاند و طی ده سال آثار آن از بین نرفته باشد، برحسب تعریف، وخیم تلقی^{۶۵} می‌شود. بالاخره باید به خاطر داشت که ماده ۵۵ جنگندگان را آزاد می‌گذارد که هر طور می‌خواهند استنباط کنند، چنانچه فقط به آنان اخطار می‌کند که جنگ را

63. Céza Herczegh, p.732.

*. Biotope فضای جغرافیایی گروهی موجودات زنده است که تحت شرایط ثابت یا دوره‌ای قرار گرفته باشند. (بیوتوپ هیچگاه به فضای گسترده اطلاق نمی‌شود) (لاروس یک جلدی).

64. Commentaire des Protocoles additionnels, op. cit. p. 419 paragraphe 1454.

65. Paul Fautoux "L'utilisation de l'environnement comme instrument de guerre au Koweit occupé in *Les aspects juridiques de la crise et de la guerre du Golfe. Actes des journées d'actualités internationales*, organisées les 7 et 8 juin 1991 par le Centre de droit international de Nanterre, Montchrétien 1991, p. 262.

به قراری رهبری کنند که «مراقب» حمایت از محیط زیست طبیعی باشند،⁶⁶ بی آن که بصراحت محدودیتهایی را که تشخیص دهند عملیات نظامی ایجاد کرده باشند، منع نموده باشد.

قیودی که پروتکل قهراً وارد کرده حمایتی تکمیلی فراهم نمی آورند دیوان، «قیود پرتوانی» که پروتکل بار کرده، نسبت به حمایتی که حقوق عرفی فراهم می آورد «محیط زیست را مورد حمایتی تکمیلی قرار می دهند». نظر به سطح بالای کاربرد مقررات مربوط در پروتکل،⁶⁷ به حق می توان مناسبت چنین نظری را مورد شک و تردید قرار داد. با این وصف، باید بدین نکته پی برد که تفسیر پاراگراف ۳ ماده ۳۵ و ماده ۵۵ پروتکل در اوضاع و احوال زمانی انجام گرفت که فقط جنگ ویتنام به شمار آورده می شد. و اما از آن پس، همزمان با غنای معارف بشری در زمینه علمی، وجدان توجه به محیط زیست به قدرت خودنمایی می کند، ملاحظاتی که نمی توان نادیده گرفت از چنان کیفیتی برخوردارند که در وجهی نه چندان محدود، تفسیر این مقررات را آسان تر می سازند.

در پایان تحلیل شرح دلایلی که نظر مشورتی دیوان درباره حمایت محیط زیست اقامه می کند، این پرسش هنوز باقی است که تاچه حد این مرجع قضایی توانسته است بحثی را که در پی لطماتی که عراق بر محیط زیست وارد کرده، به تحول وادارد. به عقیده ما، از این پس، می توان تأیید کرد که در حال حاضر، در حقوق بین الملل عام اصولی به همان صورت در زمینه حمایت از محیط زیست در گیر و دار مخاصمات مسلحانه وجود دارند. این اصول از حقوق بین الملل محیط زیست و حقوق بین الملل انسانی گرفته می شوند، و اگر هر دو باهم بکار برده شوند، می توانند نسبت به محیط زیست حمایتی بسنده فراهم آورند.

66. Commentaire des Protocoles additionnels, op. cit. p. 681 paragraphe 2133.

67. Louise Doswald-Beck "Le droit international humanitaire et l'avis consultatif de la C.I.J. sur la licéité de la menace ou de l'emploi d'armes nucléaires", numéro spécial de la Revue internationale de la Croix-Rouge consacré à l'avis consultatif de la C.I.J. concernant la licéité de l'arme nucléaire et le droit international humanitaire, no 823, janvier-février 1997, p. 56.